

شماره ششم ، تیر ۱۴۰۲

# زیاد پنهان



سفر  
کاغذ

جمعیت فرهنگیان جوان

[www.farhangianejavan.ir](http://www.farhangianejavan.ir)

# ● فهرست



صاحب امتیاز  
جمعیت فرهنگی جوان

مدیر مسئول  
علی فلاحتکار

سر دبیر  
امیر حسین سلطانی فلاح

مدیر داخلی  
پوریا گلپایگانی

هیئت تحریریه  
آرزو رشیدی  
فائزه حسنونند  
فاطمه حاج حسنی  
فائزه صفری کردی  
بهاره سلمانی  
زهرا کنگانی

گرافیک و صفحه آرایی  
فائقه عاشوری کجیدی

۱ چه شد و چه می شود؟.....

۴ تربیت کارآفرینی.....

مورد پژوهی کودکان با  
نیازهای ویژه استان یزد..... ۷

۱۰ مصاحبه.....

۱۲ طرح شهاب.....



## تاریخ تکرار می شود...

هرگاه به چند ماه پیش فکر می کنم تمام من، چشم و گوش می شود تا بشنوم، بدانم و ریشه یابی کنم. اما می بینم که اطرافیانم سر می جنبانند و زیر لب حرف از نشدن ها و شدن هایی می زنند که جای جبرانی ندارد و حتی پیدا

نخواهد شد. انگار امید در وجودشان از ریشه پوسیده شده است. اما یادمان نرود که زود نباید قضاوت کرد. در شماره قبل راجع به تفکری برای زنده ماندن کودکان صحبت کردیم؛ تفکری که کمک می کند کمی بیشتر زندگی کنیم؛ زندگی ای با طعم آرامش از آگاهی، اندیشیدن نگرش ها و شوق از هم اندیشی و آزاد اندیشی...

تا همین چند وقت پیش سر زبان ها اعتراضات دهه هشتادی ها زمزمه می شد؛ اتفاقاتی رقم خورد که مدارس را با تشنج بالایی رو به رو کرد. تا چشم کار می کرد معلمانی را می دیدم که به دنبال راهی برای خاموش کردن ماجرا بودند؛ یا سکوت می کردند یا سکوت...

حال هم کم تر کسی پیدا می شود که به دنبال ترمیم این زخم و یا حتی به دنبال نوش داروی آن باشد. تصور کنید به طور غیر منتظره و البته غیر منطقی از شما بخواهند دست از آب خوردن بکشید؛ هر چه به دنبال دلیل می گردید و جویای ریشه این درخواست می شوید با جملات عجیب و تکراری رو به رو می شوید؛ جملاتی که از زمانی که خردسال بودیم در گوش هایمان جا خوش کرده اند.

« بزرگ می شی، می فهمی »

« هر چی بزرگ تر میگی بدون هیچ چون و چرایی باید بگی چشم و انجام بدی »

« سوالی نباشه، چرا انقدر سوال دارید شما ؟ »

و...

سوالم این است که شما با این دلایل از حق خودتان که آب خوردن است دست می کشید؟ پس چطور توقع دارید متولدین دهه هشتاد با سری پر از سوال با سکوت معلمان، سکوت کنند. از زمانی که به یاد دارم تا به حال که برای سوال هایی که پرسیده ایم هیچ قبضی صادر نشده، حداقل من قبضی ندیدم. و حتی برای جواب هایی که پیدا کردم هم قبضی در کار نبوده است...

خیلی از ما معلمان از جواب دادن می ترسیم؛ پس چرا راهنمایی هایمان را هم کنار گذاشتیم؟؟؟

باشد قبول دارم که از مرحله پرسش و پاسخ گذشتیم اما از قدیم گفتند: تاریخ تکرار می شود. بیایید حداقل ریشه ها را پیدا کنیم تا نوش دارویی مهیا شود.

# تفکر انتقادی پشتوانه اصلاحات در یک دوره زمانی هست؛ تفکر انتقادی مسیر اصلاحات و مسیر تغییرات زیادی خواهد بود. تفکر انتقادی ناشی از برآیند اجتماعی یک گروه یا قسمتی از جامعه هست.

تفکر انتقادی باشد؟ شاید، اما خیلی کم و این رشد در افرادی که به دنبال آگاهی باشند بیشتر دیده می شود.

با بررسی مقالاتی که در مورد تفکر انتقادی داشتم به این مورد برخوردیم که جامعه بزرگی در بزرگسالی تفکر انتقادی را بیاموزند؛ پس می توانیم نتیجه بگیریم رشد تفکر انتقادی شاید در جوامع امروزه اندک اندک اتفاق بیفتد اما می توانیم جامعه آینده را با تفکر انتقادی پرورش دهیم.

در پی تحلیل نسل دهه هشتادی ها درباره ریشه اعتراضات اینطور متوجه شدم که «به صورت کلی چند مسئله برای این اعتراضات در این نسل وجود دارد. باید گفت این نسل، مثل دهه های قبل سرکوب نشده. چون دهه های قبل بخاطر جنگ و اثرات روانی آن، کمبود امکانات، و سیطره ایدئولوژیکی نسلی مطیع، آرمانگرا، و سرکوب شده بودند؛ اما این نسل با وفور امکانات مواجه بودند و تعداد کم بچه ها و اغلب تک فرزندی بودن و تک والد بودن، مفهوم واضح تری از هویت فردی و حس مالکیت را به آن ها داده است و البته دسترسی به اطلاعات و وجود اینترنت و تکنولوژی های ارتباطی از بدو تولد، باعث شده تا استفاده محافظه کارانه ای از

برای قدم اول باید از چند کارشناس پرس و جو کنیم. به یاد دارید که در تفکر انتقادی از شنیدن هیچ نظری نباید امتناع کرد؟ پس در این راه از چند معلم درباره شروع اعتراضات ده هشتادی ها و تاثیر آن در جوامع سوالاتی پرسیدم.

در پی هم اندیشی با یکی از اساتیدم از ایشان پرسیدم: «به نظر شما پیش زمینه این اعتراضات تفکر انتقادی وجود داشته؟»

در پاسخ به موضوعی اشاره کردند که به خود واجب دانستم که در این رابطه حتما باید با دهه هشتادی ها هم صحبت شوم؛ «اگر بپذیریم که تفکر انتقادی توانایی تفکر واضح و منطقی و درک ارتباط بین ایده ها است. مثلا مهارت در بحث و تفکر برای حل مشکلات و توانایی تشخیص اخبار جعلی. آن وقت اگر از معترضین دهه هشتادی می خواستید تفکر خودشان را واضح و منطقی بیان کنند و ایده ای برای حل مشکلات ارائه کنند و به نوعی توانایی و مهارت خودشان رو در بیان استدلال و مهارت تشخیص و تمیز بین اخبار و اتفاقات و درک ارتباط آنها باهم و جعلی بودن و واقعی بودن نشان بدهند، به ندرت نشانه های از تفکر منطقی می دیدید.»

در مسیر جستجو از ریشه اعتراضات تصویر دیگری از تفکر انتقادی برای من نمایان شد: «تفکر انتقادی پشتوانه اصلاحات در یک دوره زمانی هست؛ تفکر انتقادی مسیر اصلاحات و مسیر تغییرات زیادی خواهد بود. تفکر انتقادی ناشی از برآیند اجتماعی یک گروه یا قسمتی از جامعه هست.»

از نگاه این تعریف می توانیم فشار اقتصادی را دلیلی برای اعتراضات بدانیم. فشار اقتصادی تفکر انتقادی را پوشانده بود و شاید یک درصد بتوانیم ریشه این اعتراضات را در تفکر انتقادی ببینیم. اگر چه به ظاهر این تفکر در سال قبل استارت خورد ولی مبتنی بر مکتب انتقادی جلو نرفت. بیشتر می توان این نوع اتفاقات رو اعتراض مخملی یا اعتراض هنجاری نام نهاد. ولی آیا اعتراض هنجاری می تواند شروع کننده رشد

تکنولوژی نداشته باشند و بتوانند حد و مرز خودشان را مشخص کنند و ارتباط بگیرند، این امر باعث شده تا صداقت بیشتری داشته باشند، صلح طلب باشند، مفهوم واضحی از حق و آزادی داشته باشند، و مطالبه گر باشند. در شرایطی بودند که سرکوب کمتری شدند پس ترس کمتری تجربه کردند و همیشه خودشان بودند؛ پس حالا افرادی هستند که می توانند اعتراض کنند.»

## اما نقش تفکر انتقادی را در قبل و بعد از این ماجرا چطور دیده شده؟

در مورد تفکر انتقادی، ما هنوز با جامعه ای متفکر روبرو نیستیم، هر چند به این سمت به صورت خیلی آهسته در حال حرکت هستیم اما جامعه با تفکر انتقادی، این حجم از تنش را تجربه نمی کند، هیجان زده نیست، عملکرد وابسته به رسانه ندارد، من اتحادی نمی بینم بین بچه های این نسل، همدیگر را نمیپذیرند؛ هر چند تو کارهای گروهی موفق تر عمل می کنی؛ اما دلایل منطقی بین بچه های این نسل نمی بینم، حتی به راحتی خودکشی می کنند، یا رفتار درستی با بدنشون ندارند؛ مثل تتو، پرسینگ، سیگار و... ما با یک جامعه متمدن و منتقد هنوز خیلی فاصله داریم.

اگر به دنبال آموزش همین نسل نباشیم؛ این نسل اطلاعات زیادی دارد و احساسات انسانی تر ولی تقریباً بدون فکر و هیجان زده، بدون استراتژی خاص و تفکر که به راحتی می شود با نشان دادن مسیر آزادی هویتی، آن ها را به هر سمتی سوق داد.

به نظر شما آیا امیدی به رشد تفکر انتقادی است؟ تا به حال این حرکت رشد تفکر انتقادی را در پی داشته چون در اختلاف و چالش، تفکر رشد می کند قطعاً وقتی همه موافق باشند تفکر و سوال به وجود نمی آید. اما جامعه ما هنوز آمادگی رشد را ندارد، البته هر تغییری با یک هرج و مرج همراه است و ما در حال حاضر در این مرحله هستیم.

به یاد دارید که از کلمه سرکوب بسیار استفاده کردیم؛ سرکوب فقط خشم نیست همین که دلایل منطقی بیان نمی شود و در پی سوالات، سکوت راهیست که اکثر معلمان انتخاب می کنند نوعی سرکوب در پی گرفته شده است.

اگر نسل بعدی، دهه نود با افکار سالم تری بتواند رشد کند، با تفکر و هیجان کمتر می تواند تغییرات پایداری را ایجاد کند. ولی اگر جامعه در این تنش باقی بماند، در واقع آن نسل هم از دست خواهیم داد و دوباره با یک نسل سرکوب شده مواجه می شویم. همین الان برای مشکلات روحی که برایشان پیش آمده برخی از بچه ها قرص مصرف می کنند. ما معلمان نیاز به آگاهی بیشتری داریم. بهتر نیست این آگاهی قدم به قدم با همراهی تفکر انتقادی رگم بخورد؟ نظرات همدیگر را باید بشنویم و در مورد هر کدام از آنان هم اندیشی داشته باشیم. نظر شما نقش تفکر انتقادی در این دوره چیست؟

تا بیشتر جستجو نکنیم نمی توانیم رد یا تکذیب کنیم. دوست داریم نگرش های شما هم در پی ریشه یابی این اعتراضات بشنویم.

با ما در ارتباط باشید

بهاره سلمانی



## تربیت کارآفرینی

کارآفرینی موتور محرکه توسعه کشورهاست، کارآفرینان عامل تغییرند و تغییرات را به فرصت‌های کسب و کار تبدیل می‌کنند. ترجمه اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش همان تربیت ویژگی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی است، در عین حال در اسناد تحولی آموزش و پرورش یکی از رویکردهای مهم، توجه به تربیت کارآفرینی است و این موضوع در اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی در ساحت اقتصادی حرفه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته است.

با توجه به اهمیت کارآفرینی سوال کلیدی آن است که:

- آیا در کشور ایران کارآفرینان به خوبی شناسایی می‌شوند؟
- آیا زمینه تربیت روحیه کارآفرینی در مدارس فراهم شده است؟
- خانواده‌ها تا چه میزان کودکان را با رویکرد کارآفرینی تربیت می‌کنند؟

کارآفرینی را باید بیشتر جنبه شخصیتی و هویت افراد تلقی کرد. هویتی خلاق، نوآور، خطرپذیر، دارای پشتکار، مصمم، خودباور و ... . کارآفرینی علمی میان رشته‌ای است که با مفاهیم اقتصادی، مدیریتی و روانشناسی عجین است. برای توسعه فرهنگ کارآفرینی در کشور باید آن را به صورت نظام مند تحلیل کرد:

- درون داد ( خانواده، مدرسه، دانشگاه، تلاش خود فرد و ...) البته آموزش تفکر کارآفرینی از دانشگاه بسیار دیر است بلکه باید از پیش دبستان و دبستان این کار آغاز شود تا به تدریج هویت کارآفرینانه شکل پیدا کند
- فرآیند (شناسایی، آموزش، مشاوره، هدایت و حمایت)
- برون داد (کسب توانمندی کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه)

## مهم ترین موارد تربیت کودک کارآفرین توسط نظام آموزشی و خانواده

آموزش کارآفرینی در مدارس توسط نظام آموزشی تدوین سیاست های کلی برنامه آموزش کارآفرینی در مدارس و به طور کلی در نظام آموزش و پرورش با بهره گیری از تجربیات سایر کشورهای پیشرفته و مشاوره ی خبرگان این امر.

افزودن بخش هایی با موضوع کارآفرینی در کتاب های درسی در پایه ها و رشته های مختلف. بهتر است آموزش کارآفرینی در خلال دروس دیگر انجام گیرد و درسی مجزا نباشد. زیرا کارآفرینی به علوم مختلف گره خورده است. برای مثال در تمام دروس از جمله جغرافیا، جامعه شناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی می توان از مباحث کارآفرینی استفاده کرد.

تدوین محتوای آموزشی برای کارآفرینی در مدارس، سطح و توانایی دانش آموزان امری بسیار مهم و حیاتی است. زیرا با نظر به پیچیدگی مفهوم کارآفرینی، امکان معرفی کلیه ی جوانب آن و یادگیری تمام موضوعات آن برای مخاطبین در هر سنی امکان پذیر نیست.

تدوین محتوای الکترونیکی تصویری با موضوع کارآفرینی برای جذابیت بیشتر نسبت به محتوای درسی.

آموزش مسئولین آموزش و پرورش به ویژه دبیران در زمینه ی اهمیت کارآفرینی و نقش آن در جامعه و روش های آموزش و یادگیری آن برای دانش آموزان.

برپایی دوره های کارورزی کارآفرینانه مختص دانش آموزانی که علاقه دارند در آینده کارآفرین شوند.

برگزاری مراسمات و جشن ها مختلف، به بهانه ی ترویج آموزش کارآفرینی در مدارس، با دعوت کردن از کارآفرینان موفق که سابقا دانش آموز بوده اند.

آموزش فعالیت های میدانی و عملی کارآفرینی به جای آموزش های تئوری، به طوری که دانش آموزان با انجام این فعالیت ها با کارآفرینی آشنا گردند.

استفاده از معلمان خاص این رشته

آموزش کارآفرینی در مدارس توسط خانواده روی طرز فکر کودکان کار کنید (کودک باید ارزش تلاش کردن و متعهدبودن را بیاموزد. این امر تنها زمانی امکان پذیر است که کودک بتواند شکست و اشتباهاتش را به عنوان فرصتی برای شروع دوباره ببیند فرصتی که با شروعی قوی تر و بهتر از گذشته همراه خواهد بود).

مهارتها و استعدادهای کودک را پرورش دهید (برای پرورش این مهارت ها بهتر است روزانه چالشی را متناسب با سن فرزندتان در نظر بگیرید، در مورد اینکه چه غذایی درست کنید با کودکان تبادل نظر کنید، از کودک خود بخواهید که برنامه ای را در مورد هفته آینده خود طرح کند یا می توانید او را با کارآفرینان موفق آشنا کنید تا از آنان الهام بگیرید).

در شناختن فرصت ها به کودک کمک کنید (بهتر است به او بیاموزید که نگاهی موشکافانه به اطرافش بیاندازد. پیرامون خود را تجزیه و تحلیل کند و برای شروع می توانید از وسایل داخل انباری استفاده کنید، از کودک بپرسید که به نظر تو با وسایلی که لازم نداریم چگونه می توانیم مشکل افراد دیگر را حل کنیم؟ از او بخواهید که برای این مشکل راه حل ارائه دهد).

اجازه دهید کودک مشکلاتش را خودش حل کند ( هنگامی که کودک بتواند مشکلاتش را خودش حل کند اعتماد به نفسش افزایش می یابد و در نتیجه می تواند در مسیر موفقیت قرار گیرد).

پس انداز کردن و سرمایه گذاری را به کودک خود بیاموزید ( برای شروع این کار از مدیریت پول تو جیبی می توان شروع کرد و کودکان را تشویق نمود تا پول های پس انداز شده را سرمایه گذاری کنند).

کودک را به کتاب خواندن تشویق کنید (حتی اگر کودک نخواهد که در آینده یک کارآفرین شود؛ جسارت داشتن، ریسک پذیری، ایده پردازی را در او تقویت می کند).

همیشه همه چیز را برای کودک خود فراهم نکنید (هنگامی که هرچیزی را کودک می خواهد در اختیارش قرار دهید در اینصورت انگیزه داشتن و به دست آوردن آن را از او می گیرد در عوض از تهیه وسایل مازاد و غیر ضروری بپرهیزد و از او بخواهید برای رسیدن به آنچه می خواهد تلاش کند و مسئولیت زندگی اش را بر عهده گیرد).

به لطف افراد آینده نگر و روشن فکر، آموزش کارآفرینی به مدارس راه یافته است. با حصول پیشرفت در روند آموزش کارآفرینی، دانش آموزان تشویق می شوند که در دوره دبیرستان، ایده های خود را برای راه اندازی شرکت به واقعیت تبدیل کنند.

آرزو رشیدی





مدارس و آموزشگاه های مختص به کودکان ویژه علاوه بر معیار مقطع تحصیلی به نسبت اختلالات و گروه های مختلف در هر شهر به چندین مدرسه و آموزشگاه تقسیم بندی می شوند.

در کلان شهر هایی نظیر تهران، خوزستان، اصفهان، کرمان، یزد و... به دلیل جمعیت بالایی که این گروه از دانش آموزان به خود اختصاص می دهند، کودکان با اختلالات مشترک به نسبت مقطع تحصیلی خود در مدارس مشخص و منحصری جایگذاری می شوند. در مقابل اما، در شهرهایی با جمعیت کمتر دانش آموزان با اختلالات مختلف همگی در یک مدرسه، اما در کلاس هایی جداگانه قرار داده می شوند.

دانش آموزان ویژه ( همانطور که در شماره ی قبلی نشریه بیان شد به چندین گروه تقسیم می شوند. آسیب دیده شنوایی، بینایی، جسمی، ذهنی، افراد کم توان و...) در همه جای کره ی خاکی ما پیدا می شوند. مسئولیت پرورش و تربیت این جوانه ها را دولتمردان هر سرزمین برعهده دارند و مدارس ویژه و مدارس فراگیر هم به این خاطر بوجود آمده اند. موضوع تربیت و پرورش دانش آموزان ویژه به حدی پر اهمیت و جدی است که در کشور ما هم قانون تشکیل سازمان آموزش و پرورش استثنایی مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۲۱ در مجلس شورای اسلامی نوشته شد و به موجب آن قانون موسسه دولتی بنام «سازمان آموزش و پرورش استثنایی» وابسته به وزارت آموزش و پرورش تشکیل گردید.

برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر نظیر متوسطه دوم، می‌توانند با انتخاب رشته در مدارس عادی با کتبی مشخص و معلم رابط حضور پیدا کنند و ادامه تحصیل دهند. برای گروه ناشنوایان نیز دو مدرسه «صدریه» برای پسران و مدرسه «باغچه بان» برای دختران در دو مقطع پیش دبستان، ابتدایی و متوسطه اول و دوم دایر و مشغول به تحصیل هستند. مدرسه «زرکش» نیز متعلق به گروه اوتیسم از سلسله گروه های استثنایی است.

مدرسه «شهبازیان» به همت خیر نیکوکار، محمدتقی شهبازیان بزرگترین مدرسه برای گروه معلولیت جسمی - حرکتی برای دو گروه دختر و پسر و برای پایه‌های پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه اول و دوم استان یزد در ایران در سال ۱۳۹۹ تاسیس و دایر شده است.

تمامی مدارس نامبرده بگونه‌ای طراحی و بازسازی شده‌اند که منطبق با شرایط خاص دانش‌آموزان دارای اختلال هستند و دارای امکاناتی مادی، حقیقی و معنوی اعم از: مادریار، پذیرار، سرویس اختصاصی مدرسه، اتاق بازی، اتاق ورزش، درمانگر، مشاور و... هستند معلمانی که در این مدارس فعالیت می‌کنند هر کدام با سبقت و سابقه‌ای طولانی و یا کوتاه، فارغ التحصیل از دانشگاه فرهنگیان و یا از طریق ماده ۲۸ و پذیرش در آزمون استخدامی مشغول به فعالیت هستند. در این مدارس افزون بر افراد بومی استان یزد، دانش‌آموزانی از اقصی نقاط مختلف کشور حضور دارند که به دلایلی مثل:

- کمبود امکانات شهر مبدأ در زمینه آموزش کودکان استثنایی

- نگاه و برداشت های غلط مردم و شهروندان شهر مبدأ از افراد استثنایی

- عدم امکان پیشرفت برای دانش‌آموزان استثنایی در آینده شغلی

و مهم تر از تمامی دلایل مذکور به دلیل سهولت تحصیل کودک خود به استان یزد مهاجرت کرده و رویه زندگی خود را مطابق با شرایط جدید تغییر داده‌اند. دانش‌آموزان استثنایی مجاز به سه سال تکرار پایه هستند و بعد از گذراندن سال تحصیلی سوم در یک پایه، به دلیل قوانین



## مورد پژوهی استان یزد

استان یزد از جمله استان‌هایی است که با جمعیتی در خور دارای مدارس منحصر و اختصاصی برای دانش‌آموزان با اختلالات متفاوت می‌باشد که افزون بر شهرها و شهرستان‌های خود این استان، از اقصی نقاط کشور نیز دانش‌آموزان استثنایی در آن حضور دارند و به تحصیل می‌پردازند.

از آنجایی که گروه کم توان ذهنی، بزرگ‌ترین گروه این دانش‌آموزان محسوب می‌شود، به دلیل جمعیت بالای این گروه در استان یزد چندین مدرسه مختلف اعم از: «مدرسه شهید موسوی، شفق، واعظ، کوثر، تلاش، نشاط و...» در نقاط مختلف شهر برای دانش‌آموزان دختر و پسر دوره پیش دبستانی، ابتدایی اول و دوم و متوسطه اول و دوم تاسیس شده است و در حال حاضر مشغول به فعالیت و کار هستند. مدرسه «رسولیان» تنها مدرسه مختص به نابینایان استاد یزد است که هر دو گروه از دانش‌آموزان دختر و پسر از پایه پیش دبستانی تا متوسطه اول در آن مشغول به تحصیل می‌باشند. نابینایان متقاضی

مربوطه و موارد سیستمی غیر قابل اغماض و چشم پوشی، قادر به خواندن دوباره سال تحصیلی خود نیستند و از مدرسه اخراج می‌شوند. در شماره قبل به تفصیل خواندیم که استقلال فردی و آینده شغلی این دسته از دانش‌آموزان در رأس اهداف قرار می‌گیرد و در این زمین هاز تاثیر معلم بر رسیدن به استقلال شخصی دانش‌آموز نمی‌توان غافل شد. معلمان حاضر در عرصه کودکان استثنایی افزون بر علم و دانش اختصاصی که می‌تواند به سهم خود در قوت بخشیدن به آموزش و ارتقای هر ساله پایه تحصیلی دانش‌آموزانشان موثر واقع شوند، با مشاهده انفرادی و جز به جز دانش‌آموزان خود و شناسایی استعدادها و اختصاصی هر یک از آنان در جهت پرورش آن استعداد و کسب درآمد از آن قدم‌هایی بسیار موثر بردارند. یک کلاس آموزشی کودکان استثنایی گروه کم توان ذهنی، حداکثر قادر به جای دادن ۱۱ دانش‌آموز در خود خواهد بود. روش آموزش به این کودکان انفرادی است و معلم باید طبق خصوصیات و ویژگی‌های یادگیری آن دانش‌آموز، آموزش منحصر به فردی را پیاده کند. بعضی از دانش‌آموزان کلاس ممکن است افزون بر مشکل کم توان ذهنی دارای معلولیتی دیگر اعم از: اختلال یادگیری، فلج مغزی، بیش‌فعالی، معلول جسمی حرکتی و... نیز باشند و معلولیت دوم آنها را در دسته چند معلولیتی‌ها قرار می‌دهد و مبنای جایگذاری این نوع دانش‌آموزان در مدارس مختلف، معلولیت غالب آنها می‌باشد. یک کودک کم توان ذهنی، دیر یاد می‌گیرد و خیلی زود هم فراموش می‌کند که در این زمینه صبوری و استمرار معلم، در کنار همراهی‌ها و کمک‌های والدین دانش‌آموز موثر واقع می‌شود و روند آموزشی را اندکی سرعت می‌بخشد. پر کردن دفتر کلاسی برای تک تک ساعات کلاس و تک تک دانش‌آموزان امری بسیار مهم به‌شمار می‌رود تا در انتهای سال، معلم با تورق سریع آن دفتر و در نظر گرفتن عملکرد دانش‌آموز با توجه به فرایندی که در طول سال طی کرده است، در انتهای سال به آن نمره دهد

و صرفاً به تک نمره روی برگه امتحانی دانش‌آموز اکتفا نکند.

از جمله تفاوت‌های کتب درسی کودکان استثنایی می‌توان به نوع فونت کتاب و حجم آن اشاره کرد و گفت فونت کتب کودکان استثنایی تحریری و کودکان عادی نستعلیق است. همچنین کتب کودکان استثنایی در پایه اول به سه قسمت تحت عناوین: جلد یک، جلد دو و جلد سه تقسیم می‌شود و دانش‌آموز استثنایی پایه اول را در طول سه سال و به صورت سه جلدی فرا می‌گیرد. مدیریت دانش‌آموزان استثنایی در کلاس درس و جلوگیری از بیرون رفتن آنان، یادآوری به موقع داروهای مصرفی دانش‌آموز و کسب اطمینان از خوردن آن، همدلی با دانش‌آموز در مواقع ناراحتی و دوری از خانواده‌ش، تکرار و مرور دروس برای هر دانش‌آموز و مشغول به کار و فعالیت بودن همه دانش‌آموزان در طول یک ساعت کلاس از جمله مواردی است که هر معلم باید به آن آشنایی کامل داشته و رعایت کند. در کنار همه این موارد، یک معلم کودکان استثنایی همواره باید بکوشد تا افزون بر تعلیم، برای تربیت دانش‌آموزانش نیز برنامه ریزی‌هایی داشته باشد و استعداد آنان را شناخته و شکوفا کند تا آن دانش‌آموزان بتوانند با پرداختن به کارهایی که در آن توانمند و کوشا هستند به استقلال برسند. میزان پذیرش جامعه و صاحبان کسب و کار و مشاغل، از افراد استثنایی با وجود توانمندی‌های محرز، بسیار اندک است و متأسفانه باید گفت که در بیشتر موارد صفر است. با علم و آگاهی به این مسئله از نقش معلمان آموزش ویژه در شناسایی و پرورش، جهت‌دهی و آگاهی بخشی به خانواده‌های این دانش‌آموزان نمی‌توان غافل شد. پیشنهاد می‌شود که ادارات آموزش استثنایی برای توانبخشی معلمان در این زمینه برنامه ریزی‌های لازم را انجام داده و بکوشند تا آینده این کودکان و یا به تعبیری بهتر از دکتر غلامعلی افروز این «فرشتگان زمینی»، بهتر و روشن‌تر از آنچه ذهن می‌پندارد نمایانگر شود.

فاطمه حاج حسنی، فائزه حسنونند



# درود ای دلیل با تو بودن ای دلیل تازه بودن درود ای تمنای سرودن ها

سلام و خوشامد خدمت شما استاد گرامی ، حضور در کنار شما افتخاری است

- برای شروع کلام لطفاً مختصری برای خوانندگان خود را معرفی بفرمایید.
- رقیه حسین زاده هستم ۳۲ سال را در آموزش و پرورش در خدمت فرزندان پاک و معصوم هستم.
- کدام یک از مهارت هایتان شما را برای این موفقیت شغلی واجد شرایط کرده است ؟
- شاید جمله ای که بیان می کنم کلیشه ای و تکراری باشد اما « معلمی شغل نیست عشق است » اگر به دیده ی شغل بنگریش رهایش کن و اگر عشق توست پس مبارکت باشد ، به راستی اگر به عنوان شغل بخواهیم نگاهش کنیم بی شک تداومی نخواهد داشت با توجه به چالش های فراوانی که مواجه خواهیم بود اینگونه بیان می کنم در کنار عشق می بایست بر علوم روز ، حسن خلق، صبوری، مشارکت و انعطاف پذیری را در نظر بگیریم.
- چگونه بر چالش های پیش رویتان غلبه کرده اید ؟

○ در همه مشاغل به خصوص در حرفه معلمی که ما با افراد و کودکان از سنین کم تا بلوغ در ارتباط هستیم و تفاوت فرهنگی و امور اجتماعی نیز موجب پستی و بلندی هایی می شویم که البته بنده در کلاس طی جلساتی که برای اولیا برگزار می کنم از نقاط ضعف و قدرت آنان آگاه می شوم و در حوزه اختیاراتی که دارم سعی در شکوفایی و کشف استعداد آنها می کنم تا ارتباطی صمیمی و همراه با سیاست کاری با مادر برقرار می نمایم. از همین طریق این زمان ۳۲ سال را با چالش ها مبارزه کرده ام. توکل بر

خدای مهربان ، اعتماد دو طرفه تمثیل از زندگی واقعی، ایستادگی بر تصمیم گرفته شده در کلاس و شرح وظیفه ام به صورت محکم و استوار جایگاهم را بین اولیا و دانش آموزان تبدیل به مادری سختگیر ولی صمیمی و همراه کرده است.

• چه هدفی را در محیط کار خود دنبال کرده اید که موجب شده سبک کاری ایده آل به خود را داشته باشید ؟

○ جذابیت محیط کار ما فقط و فقط با وجود معصومیت و پاکی بچه هاست که رنگ و جلا می گیرد و من زندگی را در دنیای آنها تجربه کرده ام که موجب تغییرات مثبت زیادی در من شده تا جایی که با وجود سن بالا خود را کودکی می دانم. در عین حال جدی ولی بازیگوش و پر انرژی و شاداب. اطلاعات را با مطالعه بروز و تمام تلاشم بر تدریس نوین است در کلاس بنده اکثراً تدریس بر عهده دانش آموزان و من راهنما هستم. کارها به صورت گروهی اجرا می شود و در نهایت برای پیشبرد اهداف از ابزار های متفاوت سود می برم. البته بیان می کنم که شیوه کار بنده نیز در تداوم در این فضا نیز بی تاثیر نبوده است.

• در موقعیت شغلی خود چه کاری در شرایط عادی و معنوی خاصی در نظر گرفتید و اجرا می کنید؟

○ در ارتباط با بچه های کم بضاعت از طریق مدیریت شناسایی و تا جایی که امکان دارد کمک حال شان هستم. در کلاس صندوق صدقه قرار دادم و از همین پول برای رفاه حال آنان استفاده می کنم.

• برای سخن انتهایی چه چیزی از این سال ها به یادگار دارید و برای خوانندگان ما چه چیزی به یادگار بیان می فرمایید؟

○ خدا را شکر با پیشرفت در علم و صنعت همه چیز برای جوان ها و آموزگاران راحت تر شده در گذشته راه های دور، بدون امکانات حمل و نقل، در بیلاقات و برف های سنگین که چکمه به پا می کردیم و تا زانو در برف و گل و لای به مدرسه می رسیدیم ( با خنده بیان می کند) صدای خراشیده و تارهای صوتی صدمه دیده، صدای کودکان در کلاس های شلوغ، تفاوت فرهنگ ها بسیار حس می شد و البته در حال حاضر هم این موضوع است. تمام این ها به اضافه لذتی که از مرور خاطرات می برم یادگاری من هستند و به جان من وصل شده اند و این ها را به یادگار به شما می سپارم که فقط و فقط در حال زندگی کنید چرا که خوشبختید زمانی در کنار دانش آموزانی هستید که روحشان پاک و بی آلایش است.

فائزه صفری کردی



از نظر معنوی هم که خوب بیانش تکرار مکررات می شود چون همدردی و همدلی اولین قدم شغلی ماست و مطلبی نیست که قابل ذکر باشد. گاهی این موضوع به حدی نمایان می شود که وجودم به لرزه می افتد زمانی که امین افراد می شوی و رازها و درد دل ها را برای شما بیان می کنند و حامی می شوی و چندی پیش با ارتباطی که دانش آموز با من برقرار کرد توانستیم اولیای او را به حفظ کانون خانواده دعوت کنیم و بسیار خوشحالم ( اشک در چشمان شان جمع می شود و مکث می کنند).

• در بیرون از محیط کار علاقمند انجام کارهای مرتبط هستید؟

○ بله تنها موضوعی که هیچ گاه مرا خسته نمی کند تدریس است. یکی از علایق بارز بنده کتاب خوانی است تمام سعی من بر این است که فرصت مناسبی را برای مطالعه آزاد در حیطة روانشناسی کودک و غیره داشته باشم.

• اگر در زمان و مکان و موقعیتی قرار می گرفتید که می توانستید تغییرات اعمال کنید به چه نکاتی توجه می کردید؟

○ اگر روزی چنین موقعیتی دست دهد کتاب ها در مدرسه و در کشوی میز مخصوص هر دانش آموز باقی می ماند.

کلاس های مجزا برای هر پایه تحصیلی و گروه دانش آموزان مانند اتاق شخصی.

مدارس دو شیفت صبح و بعدازظهر نباشند. برای منزل فقط مطالعه جانبی و آزاد و زندگی و کودکی کردن.

همه کلاس ها هوشمند و هر کودک را از رایانه برخوردار باشد و با امکانات پیشرفته از جمله کتابخانه، آزمایشگاه، سالن های ورزشی، سالن غذاخوری و ... این ها حق طبیعی یک دانش آموز است چرا که فرزندان ما ثابت کردند که با دانا و مستعد در این مرز و بوم تلاش می کنند و آینده را زیبا می نگرند و آجرهایش را بر هم می چینند.

# طرح شهاب

صف های شلوغ و به هم فشرده آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان، نشان از بی توجهی به استعداد های غیر ریاضی دانش آموزان است. سیاست های اصلی طرح شهاب در راستای تحول آموزش و پرورش توسط هیات امنای بنیاد ملی نخبگان تصویب شد. اولین مرحله در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ به صورت آزمایشی در هفت استان کشور (آذربایجان شرقی، اصفهان، البرز، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، کرمانشاه و هرمزگان) و در دومین مرحله دانش آموزان چهارم ابتدایی تمام استان های کشور در یک منطقه از هر استان اجرایی شد.

## اصول و سیاست های حاکم بر طرح شهاب

برای اینکه نمایی از طرح شهاب به دست بیاوریم به صورت مختصر اصل های حاکم بر آن را برمی شماریم:

بر اساس اصل اول، تلاش برای هدایت و حمایت از صاحبان استعدادهای برتر به گونه ای صورت گیرد که محدودیت ها و محرومیت های محیطی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی مانع رشد قابلیت ها و استعدادهای دانش آموزان نشود.

اصل دوم، طرح شهاب به دنبال آن دسته از دانش آموزان با استعدادی است که به دلیل ناآشنایی خانواده یا معلمان و مربیان با ویژگی های کودکان به صورت ناشناخته باقی مانده اند. به بیان دیگر نهادهایی همچون بنیاد ملی نخبگان و آموزش و پرورش، فعالانه به جستجوی این افراد می روند تا محدودیت های موجود در فرآیندها و مراکز و محرومیت های برخی دانش آموزان مانع کشف استعدادهای نگرده.

اصل سوم، مقصود از استعداد در این طرح استعداد تحصیلی و تیزهوشی نیست؛ بلکه توانایی برجسته در هر یک از حوزه های استعدادی (هنری، ریاضی-منطقی، فضایی، زبانی، حرکتی-جسمانی) افراد شناسایی شده در این طرح لزوماً دانش آموزان درس خوان و پرحافظه مدرسه نخواهند بود. همچنین ویژگی هایی چون خلاقیت و علاقه شخصی، پشتکار و جستجوگری نیز مورد سنجش قرار خواهند گرفت.

اصل چهارم، فرآیندهای شناسایی و هدایت دانش آموزان با استعداد برتر در محیط مدرسه با محوریت معلم و دبیران و دیگر عوامل آموزشی و تربیتی و بدون جداسازی از کلاس و مدرسه شان صورت می پذیرد. افراد شناسایی شده در بستر زندگی معمول و تحصیل عادی خود مسیر تعالی اختصاصی خود را در پیش می گیرند. معلم در هر دو بعد شناسایی و هدایت نقش اساسی و محوری خواهد داشت.

اصل پنجم ارزشیابی مستمر، فرآیندی و مستند معلمان و عوامل آموزشی و پرورشی و استفاده از ابزارهای متنوع و چندگانه جایگزین آزمون های مقطعی سنجش هوش و استعداد می شود. در صورتی که استعداد یک دانش آموز در یک پایه تشخیص داده نشد بر اساس رفتارها فعالیت هایش در سال بعد مورد ارزیابی قرار گیرد.

اصل ششم، مفصل ترین اصول حاکم بر طرح شهاب است که شامل: الف) پرهیز از هر گونه برچسب زنی و سوگلی پروری توسط مجریان و همچنین اجتناب از هر گونه تبلیغات و جوسازی.

ب) برخورداری از استعداد برتر موهبتی خدادادی است که تکالیفی برای فرد و اطرافیانش به دنبال خواهد داشت کلیه اقدامات هدایتی و حمایتی از این زاویه انجام پذیرد. ج) استمرار پوشش برنامه های هدایتی و حمایتی نسبت به دانش آموزان شناسایی شده منوط به فعالیت مستمر آنان در حوزه استعدادی مرتبط و حرکت در مسیر شکوفایی استعداد و کسب خبرگی است و خروج از این سیر به معنای خروج طبیعی فرد از طرح شهاب است.

اصل هفتم آموزش های علمی و کارشناسی مورد نیاز در فرآیندهای شناسایی و هدایت را به معلمان و عوامل مدرسه و خانواده ها منتقل می نماید. نگرش آنان را نسبت به این طرح اصلاح نموده و از انتظارات و توقعات بی جا و یا آسیب های متداول در جریان پرورش استعداد های برتر جلوگیری می نماید.

اصل هشتم رسانه ای نشدن استعداد های برتر و حفظ اطلاعات آنان از ضروریات رشد فرد در بستر طبیعی خود و نیز از مهم ترین عوامل جلوگیری از آسیب های اجتماعی روانی و امنیتی برای این افراد است که می بایست مورد اهتمام تمامی دست اندرکاران طرح باشد.

اصل نهم بدون پیشینه اجرایی در کشور بوده است بنابراین از یک سو نیازمند پایش مستمر کارشناسی علمی و از سوی دیگر همراهی همدلی و همکاری عوامل اجرایی را می طلبد.

در اصول و سیاست های طرح شهاب، مفاهیم ارزشمند عدالت آموزشی وجود دارد. شناسایی انواع استعداد های دانش آموزان به صورت دو طرفه هم از سوی خود دانش آموزان و هم تلاش مسئولان برای کشف استعداد های مدفون شده در محرومیت از برجستگی های این طرح است. نکته های مهم دیگری در طرح شهاب به چشم می خورد از جمله: منحصر نکردن تعریف استعداد در حافظه و هوش خاص؛ جدا نکردن فرآیندهای شناسایی و هدایت استعدادها از کلاس و مدرسه، فرصت چندباره برای ارزیابی و کشف استعداد یک دانش آموز، اختیار و تلاش مستمر دانش آموز در مسیر نخبگی پررنگ است.

نقش محوری معلم در شناسایی و هدایت استعدادها نباید ما را از نقش خانواده ها دیگر عوامل آموزشی و تربیتی غافل کند. نکته ای که در اصول و سیاست های طرح شهاب به جا بیان شده است. آگاهی و آموزش معلمان و خانواده ها و مدرسه برای اصلاح نگرش و جلوگیری از آسیب های متداول در جریان شکوفاسازی استعداد هاست.

رسانه ای نشدن استعداد های برتر، مهم ترین عامل جلوگیری از آسیب های اجتماعی و روانی و امنیتی افراد مستعد، بیان شده است؛ سوالی که به ذهن می رسد این است که آیا برنامه های تلویزیونی مانند عصر جدید، کشف کننده و شکوفاساز استعدادهاست یا مانع رشد و حرکت دانش آموزان در مسیر نخبه شدن؟

پایش هایی نیز در سال های اجرایی شدن طرح شهاب صورت گرفته است. نتایج پژوهش ها حاکی از آماده نبودن شرایط برای اجرای طرح شهاب در سال اول و همچنین فراهم نبودن منابع نرم افزاری و سخت افزاری است. علاوه بر این ها مسئولان آموزش و پرورش به اندازه کافی توجه نشده بودند و به اهداف طرح شهاب متعهد نبوده اند. امید است طرح هایی دقیق تر و با قابلیت اجرای اصولی تر تدوین شود تا استعداد های کودکان این سرزمین بازیچه طرح های غیراصولی و رسانه ها نگردد.

زهره کنگانی